



مصاحبه

دیپلماسی را نمی‌توان تکرار کرد

(مصاحبه با ایگور ایوانف وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه)^۱

خبرنگار: ایگور سرگیویچ، بیش از یک سال است که شما وزیر امور خارجه روسیه شدید. شما در سپتامبر سال ۱۹۹۸ تأکید می‌کردید که به خط مشی یوگنی پریماکوف ادامه خواهید داد. طی یک سال جهان، روسیه و خود پریماکوف نخست‌وزیر سابق به‌طور قابل توجهی تغییر کرده‌اند. آیا تسلسل خط سیاست خارجی حفظ شده است؟ برای شما، پیروی از خط پریماکوف سخت است یا خیر؟

ایگور ایوانف: وقتی که من دربارهٔ تسلسل و پیگیری در کار وزارت امور خارجه صحبت می‌کردم، منظورم این بود که هرکسی که به این مقام منصوب شود، نمی‌تواند کار خود را کاملاً از نو شروع کند. تسلسل سیاست خارجی در زمینه‌های اصولی حفظ می‌شود و توسعه خواهند یافت چرا که رئیس‌جمهور در تعیین سیاست خارجی نقش اساسی را ایفا می‌کند. ۸ سال است که کشورمان یک رئیس‌جمهور دارد که سیاست خارجی را تعیین می‌کند و دیپلمات‌ها رهنمودهای او را پیاده می‌کنند.

از سوی دیگر، امر طبیعی است که هر وزیر امور خارجه سعی می‌کند که به این کار جنبه خاصی از خود اضافه کند. وقتی که یوگنی پریماکوف وارد وزارت امور خارجه شد، او هم سعی می‌کرد بهترین دستاوردهای سال‌های قبل را حفظ کند و توسعه دهد که دیپلمات‌ها تا به حال از این کار او سپاسگزارند. فکر می‌کنم نتایج کار پریماکوف بسیار گویاست. او

۱. مصاحبه با نشریه وک، چاپ مسکو، شماره ۴۲، نوامبر ۱۹۹۹.



توانست به سیاست خارجی کشورمان جنبه‌های جدیدی اضافه کند. من به عنوان معاون وزیر در زمان کوزیرف و پریماکوف کار کردم و به همین دلیل مسئول همه تصمیماتی هستم که در آن زمان اتخاذ می‌شدند. حالا که رئیس نهاد سیاست خارجی شده‌ام، لازم می‌دانم همه دستاوردهای دیپلماسی را توسعه دهم.

معلوم است که زندگی موقعیت‌ها و شرایط جدیدی به وجود می‌آورد. در دیپلماسی نمی‌توان یک تصمیم را دوباره تکرار کرد که این ویژگی فعالیت ماست. به همین دلیل هر دیپلمات حرفه‌ای با حفظ تسلسل در جنبه‌های اساسی سیاست خارجی سعی می‌کند روش اخلاقانه خود را به وجود آورد که من استثنای این قاعده را تشکیل نمی‌دهم.

خبرنگار: در وزارت امور خارجه معمولاً شخصیت‌های «سمبولیک» کار می‌کردند. اگر یادتان باشد، گرومیکو را آقای «نخیر» می‌نامیدند در حالی که به کوزیرف لقب آقای «بله» داده شد. شما تبلور کدام گرایش هستید؟

ایگور ایوانف: فکر می‌کنم باید کمی صبر کرد تا روزنامه‌نگاران برای من لقب مناسبی پیدا کنند. من سعی نمی‌کنم مواضع خاصی اتخاذ کنم و فقط موافقت کنم یا همه چیز را رد کنم.

خبرنگار: در این صورت شما «آقای شاید» هستید؟

ایگور ایوانف: نمی‌دانم. صرف نظر از شخصیت من، مهم این است که اکنون سیاست خارجی روسیه در جهان مورد احترام قرار گرفته است که شما در جریان سفرهای من به اسپانیا، ایتالیا و فرانسه می‌توانستید شاهد این واقعیت شوید. این نشانه احترام به روسیه و روندهای جاری در روسیه است. ولی نقش دیپلمات‌ها را هم نباید نادیده گرفت چرا که وظیفه اصلی آنها، توضیح دادن سیاست کشور خود و اجرای این خط سیاسی است.

خبرنگار: ولی مشکل بتوان سیاست خارجی روسیه را پیگیرانه خواند! علاوه بر آن، وزارت امور خارجه را از هر طرف اعم از دوما، شورای فدراسیون، نظامیان، کارفرمایان، الیگارش و نهادهای رسمی حکومتی، تحت فشار قرار می‌دهند. منافع شاخه‌های قدرت و انواع و اقسام نخبگان گاهی اوقات با هم تضاد اصولی پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی وزارت امور خارجه تا چه حد در تصمیمات خود آزاد است؟ آیا این نهاد می‌تواند «خط شدید



سیاست خارجی» را دنبال کند و یا اینکه در این راه حتماً گردن خود را خواهد شکست؟

ایگور ایوانف: وقتی که من حدود ۳۰ سال پیش به خدمت دیپلماتیک پرداختم، یکی از استادان دیپلمات من گفت: «بدان و آگاه باش که تو اینجا برای کار دیپلماتیک و سیاست خارجی آمده‌ای ولی در حقیقت امر کمتر از همه به فکر دیپلماسی خواهی بود. ما در همه زمینه‌ها با سیاست بازی مواجه می‌شویم. در همه کشورها و در همه ادوار تاریخی سیاست خارجی همیشه تحت فشار از طرفهای مختلف قرار دارد. گاهی اوقات منافع نهادی تأثیر می‌گذارند. عده‌ای فکر می‌کنند که کافی است دیپلمات جایی برود و مذاکرات انجام دهد. گویا دیپلماسی به همین امر محدود می‌شود. ولی کنه دیپلماسی چیز دیگری است. دیپلمات باید اهداف راهبردی کشور را درست بفهمد و از همه شرایط داخلی و خارجی برای یافتن بهترین راههای رسیدن به این اهداف استفاده کند. چطور می‌توان این کار را کرد؟ در دیپلماسی یک یا دو فرمول آماده شده برای همه موارد زندگی وجود ندارد. موقعیتهای استاندارد نیز وجود ندارند. باید اوضاع سیاسی و انبوه عوامل ذهنی را که می‌توانند به گونه غیرمنتظره‌ای عمل کنند، در نظر گرفت. به‌عنوان مثال، مطلبی در روزنامه هم می‌تواند بر سیاست خارجی تأثیر بگذارد...»

خبرنگار: یا مثلاً سخنان اخیر الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهور روسیه سفید که در مورد شما حرفهای انتقادی بر زبان آورد؟

ایگور ایوانف: بله، بیانیه الکساندر لوکاشنکو و هر رویداد ناگهانی دیگر می‌تواند زمینه‌ای را به وجود آورد که دیپلمات ممکن است برای آن آماده نباشد. لذا این عوامل حتماً باید در نظر گرفته شوند. به‌عنوان مثال، سفر اخیر من به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را در نظر بگیرید. ما طی مدت زیادی برای آن آماده می‌شدیم و ابتکارات و پیشنهادات جدیدی دربارهٔ مسایل میرم زندگی بین‌المللی تهیه می‌کردیم که محافل بین‌المللی از این پیشنهادات استقبال کردند. ولی در آستانه این سفر ناگهان در روزنامه «نیویورک تایمز» مقالاتی دربارهٔ تطهیر پول روسی درج شدند. ما مجبور شدیم در تاکتیک خود در این جلسه تجدیدنظر کنیم. در حال حاضر طرفهای گفتگوی ما موضوع چچن را به‌طور وسیعی مطرح می‌کنند. این‌گونه شرایط مقطعی باعث تغییرخط ما می‌شود. ولی



درعین حال، ما باید هدفی را که در مرحله مشخص دنبال می‌کنیم، در نظر داشته باشیم و هر کاری بکنیم که این هدف فراموش نشود.

در حال حاضر ما چند هدف مهم کوتاه‌مدت و بلندمدت داریم. هدف بلندمدت راهبردی، به وجود آوردن نظم نوین جهانی است که اکنون مبارزه شدیدی پیرامون این مسأله جریان دارد. موضوع دوم همیشگی ملاقاتها و گفتگوها در سطح بین‌المللی، مسأله حفظ رژیم عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای و سایر انواع سلاحهای کشتار جمعی است.

این‌گونه مناقشات منطقه‌ای ناگزیر ایجاد سیستم امنیت اروپایی را سخت‌تر می‌سازند. ولی باید از زاویه دید ثبات و امنیت اروپا به این مسایل نگاه کرد. من همیشه تکرار می‌کنم که اصولی که باید در منشور امنیت اروپایی قید شوند، باید حالت عمومی داشته باشند. غیرممکن است که برای دولتهای عضو جامعه مشترک‌المنافع یک نوع اصول وجود داشته باشد، برای کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نوع دیگر اصول و برای اروپای غربی باز هم یک چیز دیگر. ما مشترکاً اصولی را طراحی می‌کنیم که باید توسط همه دولتهای امضاکننده این منشور رعایت شوند. من از گردهمایی سران کشورها در استانبول انتظار تصمیمات جدی را داشتم که تا اندازه زیادی چهره اروپای قرن بیست و یکم را تغییر دهند.

خبرنگار: ولی چهره اروپا به ما هم بستگی دارد. فضای شوروی سابق یک ششم خشکی را تشکیل می‌داد. اکنون این فضا به چند کشور با منافع مختلف تقسیم شده است. به نظر می‌رسد که دیپلمات‌های ما یک نوع سردرگمی از خود نشان می‌دهند؛ چرا که امور داخلی اتحاد شوروی به صورت سیاست خارجی درآمده‌اند. حتی شما که متخصص اروپای غربی هستید، مجبور می‌شوید استدلال‌ها به نفع و بر علیه اتحادیه روسیه و روسیه سفید را ارزیابی کنید. اکنون کار دیپلماتیک در داخل جامعه مشترک‌المنافع سخت‌تر است یا در صحنه بین‌المللی؟

ایگور ایوانف: من طرفدار آن مکتب دیپلماتیک هستم که متخصصین با مهارتهای وسیع را تربیت می‌کند. دیپلمات معاصر نمی‌تواند فقط متخصص یک منطقه، یک کشور یا یک مسأله باشد. چنین دانشی کافی نیست. دیپلمات باید به سرعت خود را با همه شرایط تطبیق دهد، مسایل را یاد بگیرد و استاد روند مذاکرات باشد. به عبارت دیگر، او باید در



زمینه‌های مختلف متخصص باشد. واقعاً بعد از فروپاشی اتحاد شوروی دیپلماتهای ما مجبور شدند به سرعت جهت‌گیری‌های جدید سیاست خارجی روسیه را یاد بگیرند. دیپلمات‌هایی که از طرف وزارت امور خارجه به سفارتخانه‌های جدید ما در کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع اعزام می‌شدند، در شرایط جدیدی کار جدید را یاد می‌گرفتند. آنها بایستی بفهمند که نه به منطقه یا شهرستان کشور خود بلکه به دولت مستقل رفته‌اند. آنها بایستی بفهمند که این دولت جدید با کشورهای دیگر جهان تفاوت چندانی ندارد.

برای وزارت امور خارجه این شرایط جدید آزمایش دشواری بود. بخش دیپلماتیک در مجموع این امتحان روانشناختی را خوب پس داد. اکنون در دانشگاه روابط بین‌المللی و در آکادمی دیپلماتیک زبانهای همه کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع اعم از اوکراینی، روسیه سفید، گرجی، ارمنی و غیره تدریس می‌شوند. در حال حاضر دیپلماتها با علاقه و خرسندی به کشورهای جامعه مشترک‌المنافع می‌روند.

خبرنگار: مسأله تأمین مالی آنها نیز حل شده است؟

ایگور ایوانف: بله، هیأت دولت این مسأله را حل کرد. همان‌طور که شما اطلاع دارید، ما برای پست‌ها در نمایندگی‌های سیاسی خود مسابقه اعلام می‌کنیم. مشکلی با گزینش کادرها برای کار در جامعه مشترک‌المنافع نیست. این امر بسیار مهم است. در کشورمان دیپلمات‌ها اول از همه متوجه شدند فروپاشی اتحاد شوروی چیست. آنها اول از همه متوجه شدند که جمهوری‌های شوروی سابق واقعاً مستقل شده‌اند. به همین دلیل ما برای تصویب قرارداد‌های دوستی و همکاری با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع کوشش می‌کردیم. خوشحالم که ما توانسته‌ایم این کار را بکنیم. تا به حال فقط با گرجستان و مولداوی چنین قرارداد‌هایی منعقد نشده‌اند. این کوتاهی کار ماست.

خبرنگار: شما به عنوان دیپلمات از تشکیل اتحادیه روسیه و روسیه سفید انتظار چه مشکلاتی را دارید؟ منظورم نه تنها اظهارات اخیر الکساندر لوکاشنکو بلکه پیشنویس پیمان اتحاد است که در هر دو کشور مورد انتقاد قرار گرفت.

ایگور ایوانف: در این مورد بحث‌های زیادی وجود دارند. ولی همیشه باید به اصل سند توجه کرد. اگر متن پیشنویس قرارداد را مطالعه کنید، خواهید دید که ما راهی را انتخاب



کرده‌ایم که استقلال روسیه و روسیه سفید را حفظ می‌کند. این پاسخ به آن سیاستمداران مسکو و مینسک است که هم‌اکنون به استقلال دولت خود الوداع می‌گویند. در پیشنویس قرارداد اتحاد چنین چیزی نیست. دو کشور مستقل تمامی امکانات لازم را برای حفظ استقلال خود نگه می‌دارند. از سوی دیگر، قرارداد درباره تشکیل دولت متحد به ما اجازه می‌دهد مشترکاً مسایلی را حل کنیم که زندگی برای ما مطرح کرده است. فکر می‌کنم که این امر کاملاً جوابگوی منافع دو ملت و دو کشور است.

چرا ما باید خجالت بکشیم و اعمال خود را در برابر دیگران توجیه کنیم؟ اکنون در همه مناطق جهان روندهای همگرایی جریان دارند. مسأله توسعه اتحادیه اروپا که کشورهای اروپای مرکزی و بالتیک نیز به آن ملحق می‌شوند، مورد سؤال قرار نمی‌گیرد. ولی وقتی که ما درباره همگرایی دو ملتی که همیشه با هم بودند و کمتر از ۱۰ سال است که از هم جدا شدند صحبت می‌کنیم، ناگهان تشویش ناسالم افکار شروع می‌شود. در هر حال، من طرفدار این قرارداد و ادامه روند همگرایی روسیه و روسیه سفید هستم.

خبرنگار: فکر می‌کنم، مسأله یک چیز دیگر است. لوکاشنکو دیپلمات‌های خارجی را از مجتمع مسکونی «دروزدی» بیرون کرد ولی در مسکو چنین رفتاری با خارجی‌ها ممکن نیست. برخورد جهانیان با دولت روسیه سفید ساده نیست. اگر اتحادیه دو کشور بالاخره تشکیل شود، آیا احتمال می‌رود که سیاست خارجی شدید لوکاشنکو با سیاست خارجی سنجیده و معتدل روسیه به تضاد درآیند؟

ایگور ایوانف: وقتی که در اتحادیه بین دولتی، دو کشور استقلال خود را حفظ می‌کنند، آنها طبیعتاً سیاست خارجی خود را نیز حفظ می‌کنند. ما به هم وابسته نیستیم و هر یک از دو کشور رئیس‌جمهور، هیأت دولت و وزارت امور خارجه خود را دارد. البته به مرور زمان و با تشکیل اتحادیه عمیق‌تر ما این سیاست را هماهنگ خواهیم کرد. با کشورهای دیگر جامعه مشترک‌المنافع نیز به هماهنگی بیشتر سیاست خارجی خواهیم رسید. فکر می‌کنم این امر به نفع همه ما خواهد بود. در حال حاضر گفتگوی فعالانه در چارچوب «گروه ۸» و شورای امنیت و نیز در روابط روسیه با اتحادیه اروپا جریان دارد. اگر ما در چارچوب جامعه مشترک‌المنافع به توافق نرسیم، جای تعجب خواهد بود. من با هم‌تایان



خود درباره این همکاری صحبت کردم و فکر می‌کنم علاقه آنها به این گفتگو رشد می‌کند. اکنون بیش از هر وقت دیگر مشخص می‌شود که در سیاست خارجی همه باید باهم باشند. در سیاست جهانی جریانهای خروشان نیرومندی مشاهده می‌شوند و ما باید با همه حرکت کنیم که زیر آب نرویم و غرق نشویم.

خبیرنگار: به سرزمینهای واقع در غرب روسیه سفید نگاه کنیم. اروپا بعد از کوزوو اروپای سابق نیست. روسیه در زمان جنگ دوم چچن نیز روسیه سابق نیست. هرچند که درباره مشارکت و همکاری صحبت‌های زیادی می‌شود ولی معلوم است که ما در مناسبات با کشورهای اروپایی مسایل فراوانی داریم. به نظر شما، اکنون کدام مسایل از همه مهمتر هستند؟

ایگور ایوانف: به نظر من نباید به چارچوب مناسبات روسیه - اروپا اکتفا کرد. اکنون در دستور روز جهان یک مسأله اصولی قرار دارد و آن مسأله نظم جهان قرن بیست و یکم است که روسیه، اروپا، آفریقا و آسیا و ایالات متحده در آن نقش خود را ایفا خواهند کرد. در این رابطه باید خاطر نشان کنم که مسأله کوزوو برای عده زیادی هوشیارکننده بود.

خبیرنگار: از نظر سیاسی حتماً همین‌طور است. ولی از نظر اقتصادی بحران کوزوو تمام اروپای متعلق به ناتو و خارج از ناتو را زیرورو کرد. چه هوشیاری تلخی...

ایگور ایوانف: من هم فکر می‌کنم که در این زمینه سیاست نسبت به اقتصاد اولویت داشت. فکر می‌کنم بعد از تحولات در یوگسلاوی برخی از متحدان ایالات متحده خود را قربانی سیاستی احساس کردند که جوابگویی منافع ملی آنها نیست. اکنون همه در اروپا علناً یا به‌طور غیرمستقیم اعتراف می‌کنند که عملیات جنگی در یوگسلاوی نه تنها به حل مسأله کمک نکرد بلکه اوضاع بالکان و کوزوو را پیچیده‌تر کرد. ما دوباره باید فکر کنیم بعد از آن چه کار کنیم به همین دلیل سیاستمداران معتبر غربی بدون اینکه اهمیت هم‌پیمانی را نفی کنند، سعی می‌کنند منافع و مسایل ملی را بیشتر مورد توجه قرار دهند. تصادفی نیست که اتحادیه اروپا اکنون تأکید می‌کند که اروپا باید در عرصه دفاع و سیاست خارجی هویت خود را داشته باشد. در اتحادیه اروپا مقام ویژه نماینده عالی امور دفاعی و خارجی ایجاد شده است. این مسأله نمی‌تواند به این زودی حل شود ولی حرکت در این جهت شروع شده



است. معلوم می‌شود که روسیه و کشورهای اروپایی مشترکات زیادی دارند. روسیه اروپا را تهدید نمی‌کند و دشمن اروپا نیست. روسیه شریک طبیعی اروپاست چرا که به ثبات در این قاره علاقه‌مند است. برای روسیه ثبات در اروپا به معنی توسعه مناسبات سالم اقتصادی، ادامه همکاری با اتحادیه اروپا و حل مسایل زیادی است. فکر می‌کنم ما در آینده نزدیک شاهد ادامه و توسعه تماس‌های روسیه با کشورهای اروپایی خواهیم شد.

خبیرنگار: اما وقتی که موضوع کشورمان مطرح می‌شود، غرب برداشت دوگانه‌ای از «دفاع از ثبات» از خود نشان می‌دهد. از یک‌سو، همه موافقتند که تنها با تشریک مساعی می‌توان به این وضع دست یافت. از سوی دیگر، همه می‌خواهند از روسیه با جنگ، بحران، آوارگان و کلاهک‌های هسته‌ای آن دور شوند. کنگره آمریکا هم طی تصمیمات خود خط سیاسی ضدروسی را از خود نشان می‌دهد. این احتیاط غیردوستانه را چه‌طور می‌توان با برنامه توسعه همکاری تطبیق کرد؟

ایگور ایوانف: فکر نمی‌کنم کسی از ما فاصله گرفته باشد. این دیدگاه صحیح نیست. باید به کارزارها در رسانه‌های گروهی که برای مردم عادی شروع می‌شوند، و خط‌مشی سیاسی محافل حاکم کشورهای غربی فرق گذاشت. همان‌طور که شما اطلاع دارید، اتحادیه اروپا در سال گذشته برنامه راهبردی توسعه روابط با روسیه را تصویب کرد. این بار اول است که اتحادیه اروپا استراتژی روابط با یک کشور را طراحی می‌کند. آنها روسیه را در مقام اول گذاشته‌اند. این نکته اهمیت اصولی دارد. دوم اینکه مشورت‌هایی که ما برگزار کردیم، نشان دادند که ما با کشورهای اروپایی تضادها و اختلافات اصولی نداریم بلکه در زمینه‌های زیادی مواضع و منافع مشترکی داریم. اروپا طرفدار حفظ قرارداد پدافند ضد موشکی، کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای و رعایت قرارداد سلاح‌های متعارف است. ما در مورد تمام مسایل خلع سلاح مواضع بسیار مشابهی داریم.

در رابطه با جریان‌ات در چین ما یلم تأکید کنم که شخصیت‌های رسمی کشورهای اروپایی بر این عقیده هستند که این مسأله داخلی روسیه است. آنها خواهان حفظ تمامیت ارضی روسیه هستند و ضرورت مبارزه رهبران روسیه و ارگان‌های فدرال با تروریسم را درک می‌کنند. در هیچ بیانیه مهمی این مواضع رد نشده است. از سوی دیگر سیاستمداران غربی با



توجه به مطالب رسانه‌های گروهی در خصوص تلفات در میان جمعیت غیرنظامی و مشکلات انسانی اظهار نگرانی می‌کنند که نکند مناقشه در شمال قفقاز اوضاع روسیه را بی‌ثبات کند و وخامت اوضاع منطقه را شدت بخشد. ولی این دیدگاه ناشی از نگرانی است و نه از برخورد منفی با کشورمان.

فکر می‌کنم هدف دیپلمات‌ها، سیاستمداران و نمایندگان پارلمان این است که تمایلات و نیت واقعی دولت روسیه و وضعیت حقیقی امور را توضیح دهند. رسانه‌های گروهی ما هم در این زمینه نقش قابل توجهی دارند. خودتان شاهد آن بودید که عده‌ای در کشورهای اروپایی با استناد به مطالب رسانه‌های گروهی و اظهارات برخی از سیاستمداران، فرضیه‌های پوچی مطرح کردند که اعمال تروریستی در مسکو گویا به نفع رهبران روسیه بودند. من مرتباً در این مورد توضیحاتی ارائه داده‌ام و فکر می‌کنم این مسأله برای آنها واضح‌تر شده است. ولی نمی‌توان سوء تفاهم را کاملاً برطرف کرد. در جریان هر دیداری فشار شدید تبلیغاتی احساس می‌شود.

خبیرنگار: شما را برخلاف وزیران پیشین امور خارجه، متخصص اروپا می‌نامند. آیا تجربه کار دیپلماتیک در اسپانیا به شما کمک می‌کند؟ آیا شما برخورد ویژه با خود را احساس می‌کنید؟

ایگور ایوانف: درست نیست که مرا فقط اروپاشناس محسوب کنند. من از سال ۱۹۸۳ در وزارت امور خارجه در مقامات مختلف کار کردم. مشاورانده گرومیکو بودم، سپس با ادوارد شوارندادزه، الکساندر بسمرتنیخ و بوریس پانکین همکاری کردم. عضو هیأت رئیسه وزارت امور خارجه بودم. در این مرحله خواه ناخواه به همه مسایلی می‌پرداختم که عرصه سیاست خارجی اتحاد شوروی و روسیه را تشکیل می‌دادند. روی امور خاورمیانه و مناطق دیگر، مسایل جهانی و خلع سلاح کار کردم. بنابراین، من خود را متخصص فقط امور اروپایی محسوب نمی‌کنم.

خبیرنگار: در این صورت با توجه به تجربه بزرگ خود روابط روسیه با ایالات متحده را با توجه به روندهای جهانی و روند انتخاباتی جاری در فدراسیون روسیه و ایالات متحده چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ آیا نفوذ عوامل مقطعی زیاد است؟



ایگور ایوانوف: البته، این شرایط بر مناسبات فی مابین اثر قابل توجهی می‌گذارد. در رابطه با انتخابات در روسیه مایلیم به این نکته مثبت اشاره کنیم که ما برخلاف ایالات متحده در جریان انتخابات خط سیاست خارجی خود را به عوامل انتخاباتی وابسته نمی‌کنیم. نیروهای سیاسی اساسی روسی در مجموع خط مشی رئیس‌جمهور و هیأت دولت در صحنه بین‌المللی را تأیید می‌کنند. به خصوص در زمینه خلع سلاح، مناقشات منطقی‌های و غیره این حمایت احساس می‌شود.

ولی در ایالات متحده مسایل کلیدی سیاست خارجی و خلع سلاح به یکی از وسایل مبارزه داخلی سیاسی تبدیل شده‌اند. ما و کشورهای متعدد دیگری با نگرانی شاهد آن می‌شویم که در نتیجه درگیری رقیبان سیاسی، آمریکا از مواضعی عقب‌نشینی می‌کند که طی سالهای اخیر در چارچوب همکاری ما طراحی شدند و اساس ثبات جهانی را تشکیل می‌دادند. ما در مبارزه داخلی سیاسی بین احزاب آمریکایی مداخله نمی‌کنیم. ولی امنیت روسیه و کشورهای دیگر برای ما اهمیت دارد. به همین دلیل ما مواضع فعالانه‌ای از خود نشان می‌دهیم تا همه دستاوردها در زمینه خلع سلاح حفظ شوند.

خب‌نگار: در حال حاضر کدام عوامل بازدارندگی از همه مهمترند؟

ایگور ایوانوف: به عقیده من، عامل اصلی بازدارندگی، شکل‌دهی افکار عمومی بین‌المللی به نفع این مواضع می‌باشد. اکنون ارتباط مستقیم بین روحيات اجتماعی و تصمیماتی که در سطح سیاسی گرفته می‌شوند، دیده می‌شود. به همین دلیل افکار عمومی در جهان و در ایالات متحده باید همه مزایای تحکیم ثبات راهبردی و همه نکات منفی ویران شدن ثبات راهبردی را درک کنند. چنین چیزی زمانی می‌تواند رخ دهد که ایالات متحده به تخلف از قرارداد پدافند ضد موشکی دست بزنند. روسیه قطعاً خواهان حفظ این قرارداد است که هیچ چانه‌زنی در این مورد ممکن نیست. بنابراین وظیفه وزارت امور خارجه و نهادهای دیگر است که اطلاعات صحیح درباره این مسأله را به آگاهی افکار عمومی بین‌المللی و داخلی برسانند و به مردم اجازه دهند نظر خود را درباره این رویدادها داشته باشند. این جهت‌گیری مهم کار دیپلماتیک در روسیه و در کشورهای دیگر است.

وزارت امور خارجه آمریکا در زمان اخیر سرویس اطلاعاتی - خبری خود را به وسیله



الحاق آژانس «یوسیا» تقویت کرد. ما هم در صدد برداشتن گامهایی برمی‌آیم که جوابگوی مقتضیات زمان باشد.

خبیرنگار: اگر دربارهٔ امور داخلی وزارت امور خارجه صحبت کنیم، معلوم است که شما دوست دارید همه کارها را خودتان انجام دهید، هیچ‌کاری به دیگران محول نکنید و اجرای همه دستورات خود را شخصاً کنترل کنید. وزارت امور خارجه در مقایسه با نهادهای دیگر، ساختار ثابتی است. شما براساس کدام معیارها کادرهای خود را انتخاب می‌کنید؟

ایگور ایوانف: من از هیأت کارکنان وزارت خارجه بسیار راضی‌ام. معیار آمادگی برای کار در وزارت امور خارجه بسیار ساده است و آن مهارت حرفه‌ای است. من خودم همه مراحل خدمت دیپلماتیک را طی کرده‌ام و به همین دلیل هیچ‌کاری را غیرمترقبه و نامفهوم نمی‌دانم. دانشکده زبانهای خارجی را تمام کردم، چند سال در مؤسسهٔ اقتصاد جهانی و روابط بین‌المللی کار کردم و سپس در وزارت امور خارجه استخدام شد. منشی و دستیار بودم، در مقامات مختلف در سفارتخانه‌ها کار کردم و در روند مذاکرات شرکت داشتم. در وزارت امور خارجه انسان باید مانند یک ارتشی از سرباز تا ژنرال خدمت کند. ما هم تلاش می‌کنیم که افراد ما در پستهای مختلف کار کنند و بدانند خدمات کنسولی یا اداره مطبوعات چیست. همه معاونین من و همه مدیران ادارات از پایین تا بالا در همه پست‌ها خدمت کرده‌اند. به همین دلیل ما همدیگر را خوب درک می‌کنیم و جو کاری ما آسان است. بسیار خوشحالم که همه انتصابها به مقامات در دستگاه مرکزی و در سفارتخانه‌ها مورد تأیید هیأت کارکنان قرار گرفته‌اند. من در وزارت امور خارجه دوستان زیادی دارم ولی کسی نمی‌تواند مرا سرزنش کند که برای کسی امتیازات اضافی قایل شدم یا قبل از موعد درجه دیپلماتیک یا مقام بالایی دادم. انسان نباید از دوستی برای پیشرفت کاری استفاده کند. هر کس باید مستحق مقامی باشد که به او داده می‌شود.

خبیرنگار: آیا شما دوستان زیادی دارید که به مقام و محل کار شما توجه نمی‌کنند؟

ایگور ایوانف: بله، البته. هر سال با همکلاسی‌های سابق خود در هنرستان نظامی «سوروف» ملاقات می‌کنم. آنها بهترین و صادق‌ترین دوستان من هستند. البته، این ملاقات‌ها چندان زیاد صورت نمی‌گیرند ولی وقتی که به هم می‌رسیم، مثل بچه‌ها شادی



می‌کنیم. فکر می‌کنم که این بهترین لحظات زندگی من هستند.

خبرنگار: شما در خانواده نظامی بزرگ شدید؟

ایگور ایوانف: بله، پدر و مادرم نظامی بودند. متأسفانه، آنها دیگر در قید حیات نیستند. پدرم سرهنگ ارتشی بود و مادرم سرگرد میلشیا و رئیس اداره پلیس راه یکی از نواحی مسکو بود. در آن زمان انتصاب یک زن به این مقام کار عادی نبود. او بعد از جنگ که مؤسسه اتومبیل و راه را تمام کرد، به این مقام منصوب شد و بیش از ۲۰ سال در این پست کار کرد.

خبرنگار: برای شخص شما اوج رشد کاری کدام مقام است؟ اگر از مفاهیم ارتشی استفاده کنیم، وزارت امور خارجه یک ارتش دیپلماتیک است که هر سرباز آن می‌خواهد مارشال شود. ولی مارشال دیپلماتیک چه امیدهایی دارد؟

ایگور ایوانف: من اوج رشد دیپلماتیک خود را پشت سر گذاشته‌ام. اوج کاری من، مقام سفیر و معاون اول وزیر بود چرا که من در مقام معاون اول وزیر به عنوان دیپلمات حرفه‌ای کار کردم. ولی وزیر امور خارجه، یک مقام سیاسی است.

خبرنگار: یعنی شما از کار قبلی بیشتر خوشتان می‌آمد؟

ایگور ایوانف: از نظر حرفه‌ای الان هم راضی‌ام. ولی در آن زمان و الان معتقدم که در حرفه خود به اوج رسیده‌ام. بالاتر از این چیزی نیست.

خبرنگار: برای آخرین بار کی مرخصی رفته‌اید؟

ایگور ایوانف: در جریان بحران اخیر دولتی.

خبرنگار: آیا شب خوابهای مربوط به کار می‌بینید؟

ایگور ایوانف: متأسفانه می‌بینم. این دیگر بیماری حرفه‌ای شده است. در طول سالهای اخیر همیشه در خواب فکر می‌کنم فردا چه باید بکنم. گویا برنامه فردا را تدوین می‌کنم. معلوم است که این خوابها به استراحت کامل کمک نمی‌کنند.

خبرنگار: پس باید منتظر بحران نوبتی دولتی شوید که به خود تنفس بدهید؟

ایگور ایوانف: بهتر است که بحران رخ ندهد.